



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

تاریخ: ۲۹ آذر ۱۳۹۹

موضوع جزئی: موجبات جنابت - جماع

مصادف با: ۴ جمادی اول ۱۴۴۲

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه: ۴۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

سخن در موجبات جنابت بود. عرض شد که یکی از موجبات جنابت، جماع است. همچنین، عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، دخول در قُبُل یا دُبُر، موجب جنابت و وجوب غُسل می شود و از این جهت فرقی نمی کند که دخول در قُبُل باشد یا در دُبُر باشد و در هر دو صورت، دخول، موجب جنابت و وجوب غُسل می شود.

در رابطه با مطلب مذکور، دو قول وجود دارد؛

قول اول، این است که در تحقق جنابت و وجوب غسل به وسیله جماع، بین ادخال در قُبُل و ادخال در دُبُر تفاوتی نیست و دخول از هر دو، موجب جنابت می شود. مرحوم سید (ره) این قول را پذیرفته است.

قول دوم، این است که جنابت و وجوب غُسل فقط از راه دخول در قُبُل محقق می شود. مرحوم صاحب حدائق (ره) این قول را پذیرفته است.

ادله قول اول

کتاب

«...أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...»^۱.

ملامسه که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است، مطلق است و هم شامل وطی در قُبُل می شود و هم شامل وطی در دُبُر می شود. ممکن است که ادعای انصراف شود و گفته شود که تعبیر «لامستم النساء» که در آیه مذکور آمده است، به قُبُل انصراف دارد، لکن این ادعا مردود است زیرا به این گونه انصراف ها اعتنا نمی شود، چون تعبیر مذکور، اطلاق دارد و لذا نمی شود گفت که به قُبُل انصراف دارد.

عده ای گفته اند که ملامسه در آیه مذکور، به مواقعه در فرج زن تفسیر می شود لذا منظور از «لامستم النساء»، مطلق مواقعه نیست تا دخول در دُبُر را نیز شامل شود، بلکه منظور، فقط دخول در قُبُل است. این عده برای ادعای خود به ذیل روایت ابی مریم استناد کرده اند؛

عَنْ أَبِي مَرْيَمَ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع): مَا تَقُولُ فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْعُو جَارِيَتَهُ فَتَأْخُذُ بِيَدِهِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ مِنْ عِنْدَنَا يَزْعُمُونَ أَنَّهَا الْمُلَامَسَةُ؟ فَقَالَ: «لَا وَاللَّهِ مَا بِذَلِكَ بَأْسٌ وَرَبِّمَا فَعَلْتُهُ وَمَا يُعْنَى بِهَذَا "أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ" إِلَّا الْمَوَاقِعَةُ فِي الْفَرْجِ»^۲.

۱. «المائدة»: ۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب نواقض الوضوء، باب ۹، ص ۲۷۱، ح ۴.

در روایت مذکور، ابی مریم به امام باقر (ع) عرض کرده است که شخصی وضو می‌گیرد، سپس کنیزش را می‌خواند و دست او را می‌گیرد تا به مسجد منتهی می‌رسد [، یعنی در حالی که دست کنیزش را گرفته است به مسجد می‌روند]، پس بعضی گمان می‌کنند که همین که دست کنیزش را گرفته است، ملامسه است، آیا این گونه است؟ آن حضرت (ع) فرمود که نه به خدا، اشکالی ندارد و این، ملامسه نیست، چه بسا من نیز این کار را انجام بدهم و معنای «لامستم النساء» این نیست، بلکه معنای «لامستم النساء»، واقعه در فرج است.

اشکال بر استناد به روایت مذکور

از روایت مذکور، استفاده نمی‌شود که وطی در دُبر موجب جنابت نمی‌شود زیرا لفظ فرج که در این روایت آمده است، جامع بین قُبُل و دُبر است، بلکه لفظ فرج بر ذکر نیز اطلاق می‌شود، کما اینکه از آیه شریفه «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ...»^۱ استفاده می‌شود که منظور از لفظ «فروجهم»، ذکر است. بنابراین، فرج اختصاص به قُبُل ندارد، بلکه شامل دُبر و ذکر نیز می‌شود و گاهی لفظ فرج بر خصوص دُبر اطلاق می‌شود، موثقه سماعه بر همین مطلب دلالت دارد؛

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَمَسُّ ذَكَرَهُ أَوْ فَرْجَهُ أَوْ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّيُ يُعِيدُ وَضُوءَهُ، فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّمَا هُوَ مِنْ جَسَدِهِ»^۲.

گفته شده است که فرج در این روایت به معنای دُبر است چون سؤال از مردی است که در حال نماز، ذکر یا فرج یا پایین‌تر از آن را لمس می‌کند و چون مرد، قُبُل ندارد، پس منظور از فرج، دُبر است.

سنت

روایت اول: صحیح زرار: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: جَمَعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ أَصْحَابَ النَّبِيِّ (ص)، فَقَالَ: مَا تَقُولُونَ فِي الرَّجُلِ يَأْتِي أَهْلَهُ فَيُخَالِطُهَا وَلَا يُنْزِلُ؟ فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ: الْمَاءُ مِنَ الْمَاءِ وَقَالَ الْمُهَاجِرُونَ: إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْغُسْلُ، فَقَالَ عُمَرُ لِعَلِيِّ (ع): مَا تَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ فَقَالَ عَلِيُّ (ع): «أَتُوجِبُونَ عَلَيْهِ الْحَدَّ وَالرَّجْمَ وَلَا تُوجِبُونَ عَلَيْهِ صَاعًا مِنْ مَاءٍ؟ إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْغُسْلُ»، فَقَالَ عُمَرُ: الْقَوْلُ مَا قَالَ الْمُهَاجِرُونَ وَدَعُوا مَا قَالَتِ الْأَنْصَارُ^۳.

از این روایت استفاده می‌شود که همان‌گونه که ملامسه موجب حدّ است، موجب غُسل نیز می‌شود و همان‌گونه که عنوان زنا موجب حدّ و وجوب غُسل می‌شود با اِدخال در دُبر نیز حدّ و غُسل واجب می‌شود. بنابراین، موضوع وجوب حدّ و غُسل، عنوان اِدخال، واقعه و ملامسه است، پس همان‌گونه که عنوان زنا و اِدخال در قُبُل موجب وجوب حدّ و غُسل می‌شود، اِدخال در دُبر نیز موجب وجوب حدّ و غُسل می‌شود.

روایت دوم: صحیح حلبی: عَنْ عُيَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ الْمَرْأَةَ فَلَا يُنْزِلُ، أَعَلَيْهِ غُسْلٌ؟ قَالَ: «كَانَ عَلَيَّ (ع) يَقُولُ: "إِذَا مَسَّ الْخِتَانُ الْخِتَانَ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ"، قَالَ: «وَكَانَ عَلَيَّ (ع) يَقُولُ: "كَيْفَ لَا يُوجِبُ الْغُسْلُ وَالْحَدُّ يَجِبُ فِيهِ" وَقَالَ: «يَجِبُ عَلَيْهِ الْمَهْرُ وَالْغُسْلُ»^۴.

۱. «المؤمنون»: ۵ و ۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب نواقض الوضوء، باب ۹، ص ۲۷۲، ح ۸.

۳. همان، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۶، ص ۱۸۴، ح ۵.

۴. همان، ص ۱۸۳، ح ۴.

از این روایت نیز استفاده شده است که التقاء ختانان اختصاص به قُبَل ندارد و دُبُر را نیز شامل می‌شود و هر جا حدّ واجب می‌شود، غُسل نیز واجب می‌شود، پس همان‌گونه که از دخول در دُبُر حدّ واجب می‌شود، غُسل نیز واجب می‌شود. بنابراین، یکی از مواردی که غُسل واجب می‌شود دخول در دُبُر است.

روایت سوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ مَتَى يَجِبُ الْغُسْلُ عَلَى الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ: «إِذَا أَدْخَلَهُ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ وَالْمَهْرُ وَالرَّجْمُ»^۱.

ادخالی که در این روایت آمده است، اعم از ادخال در قُبَل و ادخال در دُبُر است. همچنین، از بعضی از روایات استفاده می‌شود که اتیان زوجه موجب بطلان روزه می‌شود و اتیان، اعم از وطی در قُبَل و وطی در دُبُر است.^۲

روایات مذکور، مؤید کلام مرحوم سید (ره) می‌باشند، مبنی بر اینکه مطلق وطی، موجب جنابت است، اعم از اینکه وطی در قُبَل باشد یا وطی در دُبُر باشد.

ادله قول دوم

قول دوم، این است که جنابت و وجوب غُسل فقط از راه دخول در قُبَل محقق می‌شود و دخول در دُبُر زن موجب جنابت نمی‌شود. مرحوم صاحب حدائق (ره) این قول را پذیرفته است.

روایاتی وجود دارند که بر عدم وجوب جنابت و غُسل به وسیله دخول در دُبُر زن دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: مرفوعه برقی: عَنْ الْبَرْقِيِّ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا أَتَى الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فِي دُبْرِهَا فَلَمْ يُنْزَلْ فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَنْزَلَ فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ وَلَا غُسْلَ عَلَيْهَا»^۳.

از این روایت استفاده می‌شود که صرف دخول در دُبُر موجب جنابت نمی‌شود، بلکه اگر انزال صورت گیرد، غُسل بر مرد واجب می‌شود، ولی بر زن واجب نمی‌شود که در این صورت، وجوب غُسل بر مرد به خاطر انزال است و به خاطر دخول در دُبُر نیست.

روایت دوم: مرسله احمد بن محمد: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ الْكُوفِيِّينَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَرْأَةَ فِي دُبْرِهَا وَ هِيَ صَائِمَةٌ، قَالَ: «لَا يَنْقُضُ صَوْمَهَا وَ لَيْسَ عَلَيْهَا غُسْلٌ»^۴.

از این روایت نیز استفاده می‌شود که دخول در دُبُر زن، موجب جنابت و وجوب غُسل نمی‌گردد.

این دو روایت، هرچند که بر وجوب غُسل به واسطه ادخال در دُبُر زن دلالت ندارند، لکن چون سنداً ضعیفند، نمی‌توانند با روایات دال بر وجوب غُسل جنابت به وسیله ادخال در دُبُر زن، معارضه کنند.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، ص ۱۸۳، ح ۱.

۲. سید ابوالقاسم، موسوی خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۶، ص ۲۶۲.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۱۲، ص ۲۰۰، ح ۲.

۴. همان، ح ۳.